

Representation of Fatimids in Ayyubid dynasty historiography:

A research based on Mufarij al-Khorub fi akhbare Bani Ayyub *Ibn Wasil*

Maryam Nejad Mohammadi¹ | Masoom Ali Panje² | Ghanbarali Rudgar³

(DOI): [10.22034/skh.2023.15278.1381](https://doi.org/10.22034/skh.2023.15278.1381)

Abstract

Original Article

P 7 -26

The history of the Fatimids can be traced in various works, from pro-Ismaili sources to anti-Sunni and Shia sources of the Twelve Imams. This article is focused on one of the Sunni sources, Mufarij al-Korub fi Akhbare Bani Ayyub, and with a "descriptive-analytical" approach and based on library studies, it pursues the question of how the image of the Fatimids is represented in this book? The importance of the topic is because Mufarij al-Korub is basically the dynastic history of the Ayyubids, and therefore, the analysis of the representation of the image of the Fatimids in the dynastic history of their enemies and successors can be an accurate yardstick for measuring Ibn Wasil's impartiality. What Ibn Wasil brought about the Fatimids includes some historical events, the opinions of the Fatimids and mentioning some of the poems written about them. In the issue of Fatimid ancestry, Ibn Wasil's view is to reject their attribution to the Alawites, but in mentioning the historical narratives related to the Fatimids, he did not touch on the value of judgment and mentioned the events without favoring the Ayyubids. However, when he mentions the opinions and beliefs of the Fatimids, his narrative takes the form of a refutation and includes slandering the Fatimids.

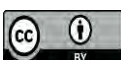
Keywords: Ibn Wasil, Mufarij al-Khorub fi Akhbare Bani Ayyub, dynastic historiography, Fatimid caliphate, Ayyubids.

1. PhD student of Islamic History and Civilization, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran nejadmohammady@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. panjeh1979@gmail.com

3- Assistant Professor Farhangian University, Tehran, Iran gh.roodgar@cfu.ac.ir

Received: 2023/02/16 | Accepted: 2023/05/24



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

بازنمایی فاطمیان در تاریخ‌نگاری دودمانی ایوبیان: پژوهشی بر پایه مَفْرَجُ الْکُرُوبِ فی اخبار بنی آیوب ابن واصل

مریم نژاد محمدی^۱ | معصومعلی پنجه (نویسنده مسئول)^۲ | قنبرعلی رودگر^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2023.15278.1381](https://doi.org/10.22034/skh.2023.15278.1381)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۲۶/۷
تاریخ فاطمیان را می‌توان در آثار گونه‌گون، از منابع موافق اسماعیلی گرفته تا منابع مخالف سنی و شیعی دوازده‌امامی، بازجست. این مقاله بر یکی از منابع سنی یعنی مَفْرَجُ الْکُرُوبِ فی اخبار بنی آیوب متمرکز شده و با رویکرد «توصیفی-تحلیلی» و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، این پرسش را پی گرفته که سیمای فاطمیان در این کتاب چگونه بازنماید شده است؟ اهمیت موضوع از آن جهت است که مفرج‌الکروب اساساً تاریخ دودمانی ایوبیان است و از این روی تحلیل بازنمایی سیمای فاطمیان در تاریخ دودمانی دشمنان و جانشینان ایشان، می‌تواند عیار دقیقی برای سنجش بی‌طرفی ابن‌واصل باشد. آنچه ابن‌واصل درباره فاطمیان آورده، مشتمل بر برخی روایدهای تاریخی، عقاید فاطمیان و ذکر برخی از اشعار سروده شده درباره آنها است. در مسئله نسب فاطمیان دیدگاه ابن‌واصل بر رد انتساب ایشان به علویان است، اما در ذکر روایت‌های تاریخی مرتبط با فاطمیان کمتر دست به ارزش‌دوری زده و بدون جانب‌داری از ایوبیان به ذکر رویدادها پرداخته است. با این همه به هنگام ذکر عقاید و باورهای فاطمیان روایت او قالب ردیه‌نویسی گرفته و متضمن بدگویی از فاطمیان است.

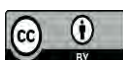
کلید واژه‌ها: ابن‌واصل، مَفْرَجُ الْکُرُوبِ فی اخبار بنی آیوب، تاریخ‌نگاری دودمانی، خلافت فاطمیان، ایوبیان.

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران nejadmohammady@gmail.com

^۲ - استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. panjeh1979@gmail.com

^۳ - استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران gh.roodgar@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳



مقدمه

مفرج‌الکروب فی اخبار بنی ایوب نوشته ابو عبدالله محمد بن سالم بن نصرالله بن سالم بن واصل حموی (د. ۶۹۷ هـ) تاریخ دودمان ایوبی است. مورخ این کتاب را که در ظل حکومت ایوبیان نگاشته به ملک منصور دوم ایوبی اهدا کرده است. هرچند موضوع اصلی کتاب تاریخ بنی ایوب به‌ویژه در سال‌های اوج و حضيض است، اما در خلال موضوع اصلی کتاب روایاتی از جنگ‌های صلیبی، سلسله‌های حکومتگر محلی جهان اسلام، اخبار خلافت عباسی، حمله مغول و... هم آمده است. در این میان، گزارش‌های ابن‌واصل را درباره فاطمیان، حاکمان پیشین مصر و رقبای جدی عباسیان، می‌توان از لحاظ حساسیت‌های سیاسی حاکمان جایگزین یعنی ایوبیان دارای اهمیت ویژه ارزیابی کرد. درواقع از طریق تأمل در نحوه روایت مورخان از سلسله مغلوب، به‌ویژه در تواریخ دودمانی سلسله پیروز، می‌توان میزان پابندی مورخ را به ارزش‌های حرفه‌ای همچون بی‌طرفی و دوری از غرض‌ورزی و جانب‌داری، بررغم همه دشمنی‌ها و تضادهای سیاسی و مذهبی، سنجید؛ خاصه که در میان گونه‌های متفاوت تاریخ‌نگاری، تاریخ‌های دودمانی بیش از سایر تاریخ‌نگاشته‌ها به «یک‌سونگری و جانب‌داری و مبالغه در تحسین و تقبیح» متهم‌اند. (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۶)

با این‌همه ک. هیرشلر^۱ که در پژوهش ژرف و درخشان خویش شماری از گزارش‌های ابن‌واصل درباره ایوبیان به‌ویژه سلطان صلاح‌الدین ایوبی را بررسی و تحلیل کرده، مفرج‌الکروب را «مدیحه-ای» برای ایوبیان نمی‌داند. (هیرشلر، ۱۳۹۵: ۶۸) وی بر این باور است که ابن‌واصل در این کتاب تاریخ دودمانی "از برتر دانستن حاکمانی خاص خودداری می‌کند" (هیرشلر، ۱۳۹۵: ۱۹۶) و نسبت به طرفداری از این یا آن سلسله از میان زنگیان، فاطمیان، ایوبیان و مملوکان بی‌طرف است. (هیرشلر، ۱۳۹۵: ۱۸۷) برای ارزیابی درستی یا نادرستی این ادعا قاعدتاً باید گزارش‌های ابن‌واصل درباره فاطمیان، زنگیان و مملوکان را کاوید. در میان این سه دولت، از نظرگاه ایوبیان، فاطمیان شیعی اصلی‌ترین دشمن بودند و از این روی، واکاوی سیمای آنها در تاریخ دودمانی دشمنان و جانشینان ایشان، می‌تواند معیار دقیقی برای سنجش بی‌طرفی ابن‌واصل باشد. پرسش این پژوهش این است: سیمای فاطمیان در تاریخ دودمانی ایوبیان، مفرج‌الکروب فی اخبار بنی ایوب، چگونه بازنمایانده شده است؟

درباره کتاب مفرج‌الکروب و ابن‌واصل پژوهش‌هایی، هرچند محدود، صورت گرفته است. این

^۱ Konrad Hirschler

کوشش‌ها گاه در ضمن تحقیقات عام‌تر بروز یافته؛ مثلاً در کتاب تاریخ‌نگاری مصر و شام در دوره ایوبیان نوشته احمد بادکوبه و معصومه آبانگاه، و در مقاله «نگرش مذهبی مورخان مسلمان به جنگ‌های صلیبی»، نوشته عبدالله ناصری طاهری از ابن‌واصل در کنار سایر مورخان مسلمان به-اختصار سخن گفته شده‌است. گاه نیز بخش‌هایی از داده‌های تاریخی مفرج‌الکروب، به صورت مستقل مورد کاوش قرار گرفته‌است؛ چنان‌که در مقاله‌ای از نور سعد محسن البیانی با عنوان «منهج ابن‌واصل في تناول الغزو المغولي من خلال كتابه: مفرج الكروب في أخبار بني أيوب» چاپ‌شده در مجله التراث العلمي العربي دانشگاه بغداد، داده‌های تاریخ مفرج‌الکروب دربارهٔ هجوم مغولان بررسی شده‌است. اما هیرشدر در کتاب تاریخ‌نگاری عربی در دوره میانه، مطالعه‌ای روشمند، متفاوت و نوآورانه دربارهٔ ابن‌واصل و ابوشامه به‌انجام رسانده‌است. در این اثر، هیرشدر ابن‌واصل را در جایگاه کنشگر قرار داده و کوشیده‌است عاملیت مورخان دورهٔ میانهٔ تاریخ‌نگاری اسلامی را، در متن‌هایشان بسنجد.

باری گرچه تمامی این آثار پژوهشی حول محور تاریخ‌نگاری ابن‌واصل است، در باب روایت این تاریخ‌نگار از فاطمیان و واکاوی و بررسی چندوچون گزارش‌هایش و دریافت میزان جانبداری یا بی-طرفی مؤلف، در مقام مورخ دودمان ایوبی، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته‌است.

دربارهٔ ابن‌واصل و مفرج‌الکروب

ابن‌واصل، ابو عبدالله محمد بن سالم بن نصرالله بن سالم بن واصل حموی (۲ شوال ۶۰۴ - ۲۸ شوال ۶۹۷)، در خانواده‌ای اهل علم در شهر حماة زاده شد. (صفدی، ۱۹۱۱: ۲۵۰؛ ابن وردی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۲۳۷) پدرش از جمله فقیهان مورد احترام حاکمان ایوبی بود (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۴: ۱۱۸ و ۱۴۱) که در کنار تدریس (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۴: ۱۴۱-۱۴۲) منصب قاضی القضاتی شهر حماة و سپس معرة النعمان را برعهده داشته‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۴: ۱۱۸) منابع تاریخی گسترهٔ دانش ابن‌واصل را در بیش از سی علم گزارش کرده‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به پزشکی، علوم عقلی، ریاضیات، نجوم، تاریخ، الهیات، شعر، جغرافیا و... اشاره کرد. (ابوالفدا، ۱۳۲۵، ج ۴: ۳۸؛ صفدی، ۱۹۱۱: ۲۵۰-۲۵۲؛ ابن وردی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۲۳۷) این اشراف گسترده بر علوم مختلف سبب شد بزرگان هم‌عصرش او را در زمانهٔ خویش کم‌نظیر بخوانند. او در پزشکی با طبیبان نامی مانند سدید دمیاطی پزشک مشهور یهودی قاهره هم‌بحث بوده (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۵: ۸۰) و حتی برخی از نظریه‌های ابن سینا در کتاب قانون را به نقد کشیده‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۱۶۱) در کلام، منطق و فلسفه نیز او را به خورشیدی تشبیه کرده‌اند که در علوم عقلی طلوع کرده‌است. (صفدی، ۱۹۱۱: ۲۵۱-۲۵۲) با اتکا بر دانش وسیع علمی خود، ابن‌واصل کتاب‌های

متعددی در علوم و دانش‌های مختلف چون ادبیات، هندسه، منطق، پزشکی و ... نگاشت، که فقط شماری از آنها، آن هم به طور پراکنده در کتابخانه‌های مختلف جهان به‌جامانده است. در حیطه دانش تاریخ از میان تالیفات متعدد این مورخ هم‌چون نظم الدرر فی الحوادث و السیر (در رخدادهای تاریخ اسلام)، تاریخ بغداد (ابن دواداری، ۱۹۷۲، ج ۸: ۳۴) و خصائص الانبیاء (حاجی خلیفه، ۱۴۲۹: ج ۱: ۴۳۰) التاریخ الصالحی (نک: صفدی، ۱۹۶۱، ج ۳: ۸۵؛ عزلوی، ج ۱/۱۳۰ و مفرج‌الکروب ۲۰۴/۱، ۲۳۶) و التاریخ الکبیر (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۴ و ۲۱۱) فقط کتاب مفرج‌الکروب در دسترس پژوهشگران است.

از شاگردان مشهور ابن‌واصل می‌توان به نجم‌الدین دبیران در زمینه علوم عقلی (صفدی، ۱۹۱۱، ص ۲۵۱) و ابوالفدا که در محضر وی کتاب اقلیدس و شرح منظومه ابن حاجب را در حماة آموخته اشاره کرد. (ابوالفدا، ۱۳۲۵، ج ۴: ۳۸) در مبحث تاریخ نیز امثال ابویحیای محمد بن یوسف غرناطی (د. ۷۴۵ق) سفیر ملک مظفر محمود (د. ۶۹۸) در ماموریت قاهره از جمله افرادی بوده که از محضر ابن‌واصل بهره برد و از او اجازه تدریس مفرج‌الکروب را نیز دریافت کرد. (صفدی، ۱۹۱۱: ۲۵۱-۲۵۲) ابن‌واصل از جمله مُدرسان شاهزادگان ایوبی نیز بوده؛ چنان‌که به ملک صالح -فرزند ملک منصور- حاکم حماة جغرافیا، هندسه و شعر آموخت (ابوالفدا، ۱۳۲۵، ج ۴: ۳۸-۳۹) و همچنین با توران‌شاه، نواده ملک عادل و حاکم قلعه کیفا، که اهل علم و فضل بود؛ بحث‌های علمی داشته است. (سبکی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۳۴-۱۳۶)

وی در کنار تدریس، با دیگر مُدرس حنفی مدرسه نوریه دمشق، شیخ علم‌الدین قیصر بن ابی‌القاسم، معروف به تعاسیف (د. ۶۴۹ق)، ریاضی‌دان و طبیعی‌دان نامی، مسئول پاسخ‌گویی به سؤالات فردریک دوم پادشاه صلیبی شد (ابن خلکان، ج ۵: ۳۱۸؛ سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۴۴؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۴۲۹-۶۳۰). ابن‌واصل همچنین در سال ۶۴۱ق با تعاسیف در ساخت اسطرلاب برای ملک کامل ایوبی همکاری داشته است. (ابوالفدا، ۱۳۲۵، ج ۳: ۱۷۳؛ ابن وردی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۷۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۲۴: ۲۲۹)

ابن‌واصل مسئولیت‌های آموزشی و قضایی متعددی را در دوره ایوبیان و ممالیک بر عهده داشت. نخستین منصب آموزشی او در مدرسه شافعی ناصریه بود. در سال ۶۲۴ق زمانی که سالم بن نصرالله، پدر ابن‌واصل، برای مناسک حج عزم مکه کرد، ابن‌واصل را به عنوان نائب در این مدرسه منصوب کرد. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۴: ۲۰۸) ابن‌واصل بعدها در جامع اقرم قاهره منصب تدریس را برعهده گرفت. این مسجد که از ابتدا بخشی از عمارت‌های سلطنتی فاطمیان بود، در زمان خلافت

الأمیر بأحكام الله در سال ۵۱۹ق تجدید بنا گشت و بعدها به دستور صلاح الدین منصب تدریس در آن برقرار شد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۷۹-۸۰) وی مُدرس زاویه شافعی در مسجد قاهره از سوی الملک الظاهر بیبرس در سال ۶۵۸ نیز بوده است. این زاویه به گفته سبکی نویسنده کتاب طبقات الشافعیه (د. ۷۷۱ق) به سبب مدرسان برجسته پیشین آن همانند بهاء الدین علی بن هبة الله بن سلامة جمیزی (د. ۶۴۹) اهمیت ویژه‌ای داشت. (سبکی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۳۰۱-۳۰۳) در سال‌های بعد، ابن‌واصل از مدرسان معروف شهر حماة گشت. صفدی، ۲۰۰۰، ج ۳: ۷۱-۷۲) چنان‌که الملک الصالح المویّد (د. ۷۳۲) حاکم وقت این شهر به حلقه درس وی، توجه ویژه مبذول داشته است. (ابوالفدا، ۱۳۲۵، ج ۴: ص ۳۸)

جایگاه علمی و اجتماعی ابن‌واصل سبب شده بود در کنار آموزش؛ بر جایگاه قضاوت نیز در دوران ایوبیان و ممالیک تکیه زند؛ چنان‌که منابع تاریخی از قضاوت وی در شهر حماة در دوران الملک الصالح المویّد ایوبی (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۳: ۷۲) و در شهرهای جیزه و أطفیح مصر از در دوران الملک المنصور بن ایبک از حاکمان ممالیک سخن گفته‌اند. (هیرشلر به نقل از نسخه خطی مفرج در کتابخانه پاریس ۶۹۰) از سوابق سیاسی ابن‌واصل، منصب سفارت ملک مظفر حاکم ایوبی به نزد خلیفه المعتمد بالله در سال ۶۴۱ق بوده، که وی این ماموریت را به همراه قاضی شهاب‌الدین ابواسحاق بن ابی‌الدم (د. ۶۴۲ق)، نویسنده کتاب تاریخ مظفری، به انجام رساند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۳۲۳-۳۲۵) البته این فقط تجربه سفارت وی نبود، او در مرتبه‌ای دیگر به عنوان سفیر الملک الظاهر بیبرس به دربار استافر،^۱ حاکم سیسیل، در سال ۶۵۹ق اعزام شد.

درباره مفرج الکروب

نام این کتاب را هر چند شماری از مورخان «مفرج الکروب فی دولة بنی ایوب» نوشته‌اند (صفدی، ۱۹۱۱: ۲۵۰؛ سیوطی، ۱۹۶۴: ۱۰۸)، بر اساس مقدمه خود مؤلف، «مفرج الکروب فی أخبار بنی ایوب» است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲) چنان‌که در منابع دیگر نیز با همین عنوان از آن یاد کرده‌اند. (ابوالفدا، ۱۳۲۵، ج ۴: ۳۸؛ حاجی خلیفه، ۱۴۲۹، ج ۲۲: ۱۷۷۲؛ بروکلمان، ج ۱: ۸۹۷)

ابن‌واصل این اثر اهدایی به ملک منصور دوم ایوبی، حاکم حماة، را در پنج جلد تحریر کرده‌است. در جلد نخست پس از ذکر نسب خاندان ایوبی، تاریخ اتابکان زنگی تا وقایع سال ۵۶۹ق را آورده و بدین‌گونه پیش‌زمینه‌های قدرت‌گیری ایوبیان را بازگفته‌است. در جلد دوم کتاب، حوادث روزگار حکومت

^۱ - Stauffer

صلاح‌الدین پس از مرگ نورالدین در سال ۵۶۹ق تا پایان زندگی او در سال ۵۸۹ق نقل شده است. جلد سوم کتاب شامل حوادث عصر فرزندان صلاح‌الدین و برادرش، الملك العادل یعنی حوادث سال‌های ۵۹۰ تا ۶۱۵ هجری است. در این جلد همچنان درگیری‌های میان ایوبیان و صلیبیان در شام دنبال شده است. در کنار این مباحث، فعالیت‌های صلیبیان را در بیرون از جهان اسلام پی می‌گیرد و از این رو به حمله صلیبیان که در این برهه متوجه قسطنطنیه و دستیابی بر آن دیار شد می‌پردازد. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۳: ۱۶۰) جلد چهارم مفرج‌الکروب به شرح مسائل داخلی ایوبیان، رخدادهای مهم سلسله‌های هم‌جوار ایشان همچون اتابکان زنگی، سلجوقیان روم و خلافت عباسیان و مسائل مرتبط با صلیبیان از سال ۶۱۵ تا سال ۶۲۸ اختصاص دارد. این جلد آغاز روایاتی است درباره حوادثی که هم‌زمان با دوران نوجوانی و جوانی نگارنده کتاب رخ داده و مؤلف خود چونان شاهدی عینی، مشاهداتش را از برخی وقایع و خاطرات به رشته تحریر درآورده است. این ویژگی سبب اهمیت مضاعف جلد چهارم و پنجم کتاب مفرج‌الکروب گردیده است. در جلد پنجم حوادث سال‌های ۶۲۹ تا ۶۴۵ق ثبت شده که می‌توان آن را سرشار از اخبار درگیری و نزاع ایوبیان دانست. این سال‌های التهاب‌خیز برای ایوبیان پر از جنگ‌های داخلی شاهزادگان و درگیری با حکومت‌های همسایه چون سلجوقیان روم و از سویی بسط مجدد خطر صلیبیان در شام بود. مؤلف در کنار این رخدادهای از خبر حملات مغولان به جهان اسلام و ثبت برخی اخبار دهشتناک جنایات جنگی ایشان در مناطق شرقی قلمرو اسلامی غفلت نکرده است.

علاوه بر مورخان هم‌عصر ابن‌واصل مانند ابن‌جوزی، ابن‌عدیم و ابوشامه، پیش از او نیز تاریخ‌نگارانی چون قاضی فاضل، عمادالدین کاتب اصفهانی، ابن‌اثیر، بهاء‌الدین شذاد و ابن‌ابی‌الدّم رخدادهای سلسله ایوبیان را به رشته تحریر درآورده بودند، اما مزیت مفرج‌الکروب این است که نویسنده‌اش برخلاف مورخان نامبرده که یا فقط برهه‌ای از تاریخ خاندان ایوبی مانند سال‌های تاسیس یا اوج را ثبت کرده، یا تاریخ این سلسله را در ضمن تاریخ‌های عمومی سایر سلسله‌های حکومتگر آورده بوده‌اند، به صورت اختصاصی تاریخ کامل این سلسله را از ظهور تا سقوط نگاشته است.

در نگاه ابن‌واصل، اقدام صلاح‌الدین در نابودی خلافت فاطمی و مبارزه با اسماعیلیان، اهمیتی هم‌تراز با آزادی قدس داشته (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲) و همین موجب برتری ایوبیان بر سایر سلسله‌های اسلامی حتی سلجوقیان است. (همان، ج ۳: ۲۳۹) با این همه وی در لابلای تاریخ ایوبیان از آوردن تاریخ خاندان فاطمی نیز، البته با هدف عبرت‌و‌اندرز گرفتن خردمندان غفلت نکرده - است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۴)

در نگرش ابن‌واصل، ظهور و نیز سقوط فاطمیان با مشیت الهی رخ داده: «خداوند- تعالی - ایشان را چنان به خواری افکند که نتوانستند از خود دفاع کنند و پناه می‌برم به خدا از خواری و فروگذاری.» (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۴۲-۱۴۵) بدین ترتیب، ابن‌واصل در ضمن روایت سقوط خلافت فاطمی عامل و نقش اصلی را خواست خداوند می‌داند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۴۴) با همین نگرش هم «تقدیر حتمی» موجب به قدرت رسیدن صلاح‌الدین در مصر شد. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۵۸) تاکید ابن‌واصل بر این عامل را می‌توان در روایت‌های دیگرش هم دید، مانند گزارش از برملا شدن قیام هواداران فاطمی و فرصت یافتن صلاح‌الدین برای سرکوب آنان. «(ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۴۴) اعتقاد ابن‌واصل به مشیت الهی در تاریخ و جامعه، در استشهاداتش از آیات قرآنی در گزارش‌های تاریخی او درباره شکست نهایی فاطمیان بازتاب یافته‌است؛ چنان که در روایت کوچ ناگزیر فرنگیان از مصر بعد از ورود اسدالدین شیرکوه به قلمرو فاطمیان (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۰) این آیه را نقل کرده‌است: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا» (احزاب: ۲۵). یا در ماجرای کشف و سرکوب قیام مؤتمن الخلافه برضد صلاح‌الدین (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۶) آیه «وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲) را آورده است.

منابع تاریخی کتاب مفرج الکروب در روایت دوره فاطمیان

پیش از پرداختن به چگونگی بازنمایی سیمای فاطمیان در مفرج الکروب باید بدین نکته توجه کرد ابن‌واصل در کنار بهره‌گیری از منابع شفاهی و شاهدان عینی که روزگار پایانی این سلسله را بعینه دیده‌اند از آثار مورخان پیش از خود همچون ابن‌اثیر و ابوشامه نیز بهره برده است. از جمله روایات شفاهی ابن‌واصل می‌توان به دو نمونه اشاره کرد؛ یکی روایتش از میزان اموال قصر و بارگاه فاطمیان از قول امیرحسام‌الدین ابی‌عال به نقل از پدر بزرگش که یکی از کارگزاران مصادره اموال خلیفه العاضد فاطمی بوده (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۸-۱۷۹) و دیگری روایتش از زبان یکی از پیروان اسماعیلیه، درباره تداوم امامت فاطمیان در دوران پس از سقوط این سلسله و اعتقاد ایشان به استمرار امامت اسماعیلیه از طریق فرزند سلیمان بن العاضد. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۰) از این گذشته، ابن‌واصل به شماری از اسناد رسمی حکومت فاطمیان نیز دسترسی داشته و هر گاه تبیین مطلب، آوردن جزئیات بیشتری از یک رویدادی تاریخی را ضروری می‌نمود، متن کامل یا بخشی از این اسناد را در کتاب خود می‌آورده است، مانند متن فرمان العاضد بالله برای وزارت اسدالدین شیرکوه (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۴-۱۶۵) و صلاح‌الدین ایوبی (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۰)، یا

بخشی از متن تقریظی که خلیفه فاطمی به خط خویش بر منشور وزارت ایشان افزوده بوده است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۵ و ۱۷۰)

فاطمیان در مفرج‌الکروب

ابن‌واصل در کتابی چونان مفرج‌الکروب، که ویژه تاریخ دودمان ایوبیان بوده، ضرورتی برای مرور کامل یا ثبت مبسوط تاریخ فاطمیان نمی‌دیده است؛ گرچه به تناسب مباحث تاریخی دوران ایوبی، در مواردی به تاریخ سیاسی، ادبیات منظوم و اندیشه کلامی فاطمیان پرداخته است.

۱. نسب‌نامه فاطمیان در مفرج‌الکروب

نخستین مسئله تاریخی مورد توجه مورخانی که در آثار خود به سلسله فاطمیان پرداخته‌اند، درستی یا نادرستی نسب‌نامه این خاندان است. ابن‌واصل هم چون سایر مورخان هم‌عصرش، هرچند به‌اختصار، به این مسئله پرداخته (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۴-۲۰۷) و نسب‌نامه ایشان را مخدوش دانسته و در جمع‌بندی خود بر نقی نسب علوی / فاطمی ایشان تاکید ورزیده است: « آنچه بدان اعتقاد یافته و از تاریخ‌های بسیار تحقیق کرده‌ام این است که این گروه مدعی نسب هاشمی، از آن بهره‌ای ندارند». (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۴) استناد مهم این مورخ ایوبی در رد نسب علوی فاطمیان به مواضع دو عالم بزرگ شیعی در اوایل سده پنجم، سیدرضی و سید مرتضی، بازمی‌گردد که به دست خط خویش بر نسب فاطمیان ایراد وارد کرده و آنها را از زمره هاشمیان خارج دانسته‌اند و سپس به تبع آن دو، گروهی از بزرگان علوی نیز این گواهی را تأیید کرده‌اند. اما استدلال دیگر ابن‌واصل در خدشه وارد کردن به نسب‌نامه فاطمیان، نامعلوم بودن نام سه‌تن از امامان متقدم اسماعیلی است، کسانی که با عنوان «پسران پوشیده از انظار و مستور امام» شناخته می‌شوند و نسل بعد از محمد بن اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) اند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۷) از نگاه مؤلف حتی اگر این پوشیدگی و استتار در روزگار این سه تن، ناشی از تقیه بوده باشد، در گذر زمان و پس از قدرت‌یابی فاطمیان نیازی به پنهان کردن نام آنها نبوده، پس پنهان کردن نام آنها در نسب‌نامه، برخلاف نسب‌نامه روشن رقیب مهم ایشان، عباسیان، به معنای مخدوش بودن این سلسله نسب است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۶) وی برای تکمیل استدلالش به روایتی از دوره خلافت العزیز بالله (حک ۳۶۵-۳۸۶ق) نیز اشاره می‌کند:

«آورده‌اند که مردی برگه‌ای به سوی یکی از خلیفه‌های آنان افکند و گریخت و شناخته نشد. در آن

برگه نوشته شده بود: به راستی، ما نسبی ناشناس را شنیدیم که در مسجد جامع بر منبر می خواندند و می گفتند: اگر در آنچه می گویی صادقی، نام هفتمین نیای خود را برای ما آشکار کن و اگر می خواهی آنچه را گفته ای محقق و مسلم سازی، نسب خود را به خواست خویش برای ما بشمار و بازگو، یا آن جامع نسب های پوشیده و «مستور» را رها کن، و هم چون ما در نسب گسترده و عام (آدم ابوالبشر) درآ، زیرا در انساب بنی هاشم امکان طمع ورزی طمع کارانندک است». (ابن واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶۲)

این نکته در باب نسب نامه فاطمیان قابل توجه است که ابن واصل در دیگر آثار تاریخی اش، چون تاریخ الصالحی، که آن را پیش از مفرج الکروب تألیف کرده بود، فقط به رد نسب هاشمی خاندان فاطمی اکتفا نکرده، بلکه بر یهودی نسب یا حتی ایرانی تبار بودنشان هم نیز تأکید داشته است. درواقع وی در تاریخ دودمانی مفرج الکروب، در قامت مورخی تا حدی بی طرف ظاهر شد. او در این کتاب خاطره ای از دیدارش با دو تن از نوادگان کهن سال العاضد بالله، که در قلعه الجبل زندانی بوده اند نقل کرده است. یکی از این دو به نام قاسم، که کتاب تاریخ الصالحی ابن واصل را که به ملک صالح ایوبی تقدیم شده بود، خوانده بود، در این دیدار از ابن واصل درباره ادعای یهودی نسب بودن فاطمیان پرسش کرد. ابن واصل در گزارشش از این دیدار در مفرج الکروب، از شرمنده شدن خویش در برابر قاسم یاد کرده؛ اما در پاسخ به او مسئولیت این ادعا را بر گردن مورخان پیشین افکند. در نتیجه همین شرمندگی است که ابن واصل دیگر این ادعا را در مفرج الکروب تکرار نکرده و فقط پس از ایراد به نسب نامه ایشان، خوانندگان کتاب را برای دریافت اطلاعات کامل تر در این زمینه، به کتاب دیگرش تاریخ الکبیر ارجاع می دهد. (ابن واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۴)

۲. تاریخ خلافت فاطمیان در مفرج الکروب

ابن واصل به تناسب مباحث تاریخی دوران ایوبی، در مواردی محدود به رخدادها و وقایع سال های خلافت فاطمیان نیز پرداخته که آن هم اغلب درحد اشاره ای جهت تبیین بهتر رویدادهای عصر ایوبیان. او درباره سه خلیفه نخست فاطمی فقط به ذکر نام و تاریخ وفات بسنده کرده است. (ابن واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۷)، اما درباره یازده خلیفه بعدی، داده های تاریخی کامل تری آورده (ابن واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۷-۲۰۹) و علاوه بر ذکر نام و القاب این خلفا، گاه به معرفی کارگزاران متنفذ و معروفشان و به بیان خدمات عمرانی ایشان هم چون ساخت قاهره و بنای عمارات مهمشان چون قصرها و مساجد، و در مواردی نیز به ذکر بحران های مهم دوره خلافتشان، مثل جدایی نزاریان و مستعلویان پرداخته است. (ابن واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۷-۲۰۸)

در مفرج الکروب از آخرین خلیفه فاطمی، العاضد، بیش از دیگر خلفا سخن رفته، چراکه روزگار

وی برهه انتقال قدرت از فاطمیان به عباسیان، زنگیان و ایوبیان است. با این حال ابن‌واصل حیطه داده‌های تاریخی مرتبط با وی را به سال‌های پایانی و سه‌وزیر آخر وی محدود کرده. این رویه برخلاف مورخان دیگری چون مقریزی است که اطلاعات کامل‌تری از زندگی و زمانه آخرین خلیفه فاطمی ارائه کرده‌اند. مقریزی در دو اثر تاریخی خود کتاب الخطط (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۴۸-۴۵۱) و کتاب انعاظ الحنفاء (مقریزی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۲۴۱-۳۳۴) مطالب فراوانی از زندگی عاضد را ثبت کرده‌است. این اختصارگرایی در مفرج‌الکروب حتی درباره داده‌های تاریخی مرتبط با ایوبیان نیز به چشم می‌آید. چنان‌که فقط بخش کوتاهی از منشور العاضد برای وزارت صلاح‌الدین در این کتاب آمده (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۰) درحالی‌که قلّشندی (د. ۸۲۱ق) در صبح الاعشی متن کامل آن را آورده (قلّشندی، ۱۹۷۱، ج ۱۰: ۳۲۰-۳۲۷) یا فهرست خلعت‌های اهدایی عاضد به صلاح‌الدین در مفرج‌الکروب نیامده (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۹) اما ابوشامه در روضتین سیاهه کاملی از آن را ارائه کرده‌است. (ابوشامه، ۲۰۰۲، ج ۱: ۱۷۳)

اما ابن‌واصل روایت درآمدن اسدالدین شیرکوه و برادرزاده‌اش صلاح‌الدین در کسوت وزارت فاطمیان را که سرآغاز برآمدن سلسله ایوبی است، به درازا روایت کرده. از جمله متون مهم در این باره که بازتاب‌دهنده مناسبات فاطمیان و ایوبیان هم می‌تواند باشد، منشوری است که العاضد برای اسدالدین شیرکوه صادر کرد و در آن، امیرالمومنین فاطمی، شیرکوه را «الملك المنصور سلطان الجیوش دوستدار امامان، فریادرس امت، اسدالدین، کفیل قاضیان مسلمانان و راهنمای مبلغان و مؤمنان» خوانده‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۴) بر مبنای این منشور خدمت به خلیفه فاطمی، خدمت به مقام فرزند پیامبر (ص) و راهی برای رستگاری محسوب می‌شود. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۴-۱۶۵) ابن‌واصل براین مطلب صحه گذاشته که آخرین خلیفه فاطمی به خط خود بر حاشیه این منشور تقریظ نوشته و بر محتوای آن صحه گذاشته، کاری که پیش‌تر، مشابه چنین منشوری برای هیچ وزیری در خاندان فاطمی صادر نشده بوده‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۵)

در پی مرگ العاضد، خانواده و عموزادگانش به فرمان صلاح‌الدین، ابتدا در قصر و بعدها در قلعه الجبل به حصر دچار شدند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ص ۲۰۲ و ج ۵: ص ۳۸۴) ابن‌واصل اسامی ایشان را که تا پایان عمر در حصر باقی ماندند را در مفرج‌الکروب نیاورده است. اما بر مبنای منابع تاریخی، این گروه شامل فرزندان العاضد همچون داود ولیعهد وی، اسماعیل، امیرأبوامانة جبرئیل، ابوالفتح و عبدالظاهر حیدر، و نوادگانش چون ابوالقاسم فرزند ابوالفتح، سلیمان فرزند داود، عبدالوهاب بن ابراهیم و فرزندزادگان دیگر خلفای فاطمی چون جعفر بن ابی‌الظاهر بن جبرئیل بن

حافظ، وعبد الظاهر بن ابی الفتوح بن جبریل بن الحافظ و... بوده‌اند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۴۷-۲۴۸) ابن‌واصل هدف از حصر را محدود کردن ارتباطات ایشان می‌داند تا ادامه نسل از ایشان ممکن نباشد و خطری حکومت ایوبی را تهدید نکند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۳)

با وجود این حصر همه‌جانبه‌خاندان فاطمی، داعیان و هواداران‌شان برای احیای خلافت از دست‌رفته، کوشش‌هایی ولو محدود و نافرجام کردند که در مفرج‌الکروب بازتاب یافته‌است. از نظر پیروان فاطمیان داود فرزند محصور العاضد، ملقب به الحامد بالله، خلیفه و امام برحق اسماعیلیان مستعلوی پس از پدر بود. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۳۸۱-۳۸۲) و از همین رو بارها برای رساندن وی به قدرت دست به قیام زدند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۴۳-۲۴۴؛ نیز نک. ابن‌خلدون، ۱۹۷۵، ج ۵: ۳۳۷) از جمله این قیام‌ها شورش سیاهان هوادار فاطمیان برضد صلاح‌الدین در حدود سال پانصد و هفتاد هجری بود که در مفرج‌الکروب نیز بازتاب یافته‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۷؛ قس: ابن‌تغری بردی، ج ۵: ۳۵۴؛ ابن‌خلدون، ۱۹۷۵، ج ۴: ۱۰۴) نتیجه این تلاش‌ها و قیام‌های نافرجام برای الحامد بالله و سایر اعضای خانواده‌اش حصر شدیدتر، (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۴۴-۲۴۵) و برای قیام‌گران قتل‌عام گسترده و حتی اخراج گروهی از پیروان فاطمی از قاهره و تبعید به صعید مصر بود. (ابن‌خلدون، ۱۹۷۵، ج ۵: ۳۳۶)

در میان این قیام‌ها، قیامی که از نگاه ابن‌واصل پایانی بر آتش فاطمیان در مصر معرفی شده؛ شورش گنزدوله، حاکم‌اُسوان و فرمانده نظامی فاطمیان است. سال قیام گنزدوله را مفرج‌الکروب (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۲: ۱۶-۱۷) مانند کتاب الکامل (ابن‌اثیر، ۱۹۳۸، ج ۱۱: ۴۱۴)، الروضتین (ابوشامه، ۲۰۰۲، ج ۱: ۲۲۱) و البدایه و النهایه (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۲۸۸) سال پانصد و هفتاد هجری و حنبلی (ابن‌عماد، ۱۴۰۶، ج ۶: ۴۰۰) پانصد و هفتاد و دو هجری نوشته‌است. بنابراین روایت ابن‌واصل از حامیان اصلی این قیام خلقی بسیار از سیاهان بودند که از اسوان به سوی قوص لشکر کشیدند که درنهایت به دست ملک عادل ایوبی سرکوب شدند. از جمله نکاتی که ابن‌واصل به آن اشاره‌ای نکرده، آمار دهشتناک کشته‌شدگان این قیام به دست ایوبیان است. به گونه‌ای که منابع تاریخی گاه شمار کشتگان را تا هشتاد هزار تن ذکر کرده‌اند. (ابن‌عماد، ۱۴۰۶، ج ۶: ۴۰۰؛ ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۴۰: ۱۳-۱۴) گفته‌شده از این میان، ایوبیان سه هزار تن را فقط در قاهره بر دار زدند. (عبد‌المنعم ماجد، ۱۹۹۴: ۴۰۲)

ابن‌واصل آخرین کوشش حامیان فاطمی برای بازگرداندن خلافت فاطمی را شورشان در قاهره در سال ۵۸۴ ه‍.ق اعلام کرده، زمانی که صلاح‌الدین در حال محاصره صَفَد بود و پسرش عثمان مراقبت از پایتخت را برعهده داشت. قیام‌گران که مورخان شمار آنها را دوازده مرد شیعه ذکر کرده‌اند؛

با سر دادن شعار «یا آل علی یا آل علی» در کوچه‌های قاهره، کوشیدند از نبود صلاح‌الدین بهره برده، با آزاد کردن خاندان فاطمی از حصر، امکان خلافتشان را فراهم آورند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۳۱) اما این قیام به سبب همراهی نکردن مردم، به راحتی سرکوب شد. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۲: ۲۷۶-۲۷۷؛ ابوشامه، ۲۰۰۲، ج ۴: ۳۶) هرچند ابن‌واصل علت همراهی نکردن مردم با قیام را بیان نکرده؛ اما تاثیر قتل عام گسترده قیام‌گران پیشین به دست ایوبیان را در این مسئله نمی‌توان نادیده گرفت. به رغم تمامی این تلاش‌ها، الحامد بالله تا در روزگار مرگش در دوران ملک عادل ایوبی در حصر باقی ماند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۰)

پس از مرگ الحامد بالله، ولیعهد العاضد، اسماعیلیان پسرش، سلیمان، را جانشین وی می‌دانستند. بنابراین ابن‌واصل وی در دوران زندان پدرش، از مادری کنیز زاده شد. داعیان مادر وی را که حامله بود، پنهانی از قاهره به صعيد انتقال دادند و سلیمان در آنجا در خفا متولد شد و تحت نظارت حامیان فاطمی پرورش یافت. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۳۸۲؛ مقریزی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۳۴۷؛ ابن‌أبيک، ص ۳۶۳) این راز چون در دوره ملک کامل فرزند ملک عادل ایوبی آشکار گشت، سلیمان دستگیر شد و تا زمان مرگش در ۶۴۵ ق در قلعة الجبل زندانی بود. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۲۳: ۲۷۱؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۵: ۳۲۲) ابن‌واصل که هم‌روزگار سلیمان بوده نوشته‌است که اسماعیلیان به جانشینی وی باور داشته‌اند و دعوت فاطمی هم‌چنان به نام او صورت می‌گرفته‌است. گرچه ابن‌واصل در سفر خود به مصر در ۶۴۱ ق دیداری با وی نداشته اما از قول کسی که او را در قلعة الجبل دیده بود، آورده که وی در نهایت جهل و گيجی بوده‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۳۸۵) ابن‌واصل همچنین درباره جانشین و فرزند سلیمان نیز چنین نوشته که هرچند بر مبنای دانسته‌هایش، وی فرزند و جانشینی نداشته، اما از اسماعیلیان زمانه‌اش شنیده که صاحب فرزند پسری است که نزد داعیان پنهان است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۰)

ابن‌واصل بیش از هر مطلبی از میان خیل رخدادهای سالیان پایانی فاطمیان، در پی پاسخ به این پرسش است که چه عواملی عمر این سلسله را به پایان رساند. او به وضع داخلی این سلسله که نتیجه ضعف خلفا و کشمکش‌های فرسایشی میان وزیران بوده، پرداخته. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴۹) از نگاه وی یک بحران جدی خلافت فاطمیان در سالیان آخر، شخصیت العاضد فاطمی بود که قدرت مدیریت و رهبری نداشته و برای حفظ خلافت علویان به قدر لازم نکوشیده‌است؛ درحالی‌که رقیبش صلاح‌الدین در همان زمان با بذل اموال به جامانده از اسدالدین شیرکوه، در پی جلب قلوب مردم بود (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۴) و پس از رسیدن به مقام وزارت در مصر، از نوشیدن شراب دست

کشید و از لُهو و لعب دوری جست و درواقع کوشید که حکمرانی تمام‌عیار و محبوب القلوب شود. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۶۸) ازنگاه ابن‌واصل یک خصلت منفی العاضد، در این سال‌ها خساست و خودداری‌اش از بخشش اموال بوده که میزان محبوبیتش را کاست. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۷۴) البته این سخن مؤلف در تقابل با دیگر سخنانش است که از بخشندگی‌های مکرر وی به صلاح‌الدین، وزیر اهل تسنن خود، یاد کرده‌است؛ چندان که فقط در مدت یکساله نبرد با صلیبیان در دمیاط، برای کمک به صلاح‌الدین غیر از اموال ارسالی، یک میلیون دینار اضافه برای لشکر فرستاد و چنین بخشندگی‌هایی سبب شد که صلاح‌الدین اذعان کند که از العاضد بخشنده‌تر نده‌ایدم. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۸۳)

برای ابن‌واصل، وزیران عصر پایانی خلافت فاطمی به‌سبب ارتباط با موضوع کتاب اهمیت ویژه‌ای دارند. چنان که آنها را از عوامل اصلی سقوط و انحطاط این سلسله دانسته: «حکمرانی از آن وزیران بود، هرکه با شمشیر غلبه می‌یافت، آن را می‌گرفت؛ و خلیفه‌ها در مصر زیر فرمان و مقهور آنان بودند.» (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۳۹) این سخن نادرستی نیست، چه مؤسس سلسله ایوبیان نیز در قامت وزیر فاطمیان، و با قدرت و مشروعیت به‌دست‌آورده از راه وزارت توانسته بود نخست قدرت را در مصر قبضه کند و سپس با بهره‌گیری از مرگ العاضد، به حیات سیاسی این خاندان پس از دو سده پایان دهد و آن‌گاه با استفاده از فرصت به‌دست آمده از مرگ نورالدین، حکومت ایوبیان را در مصر و شام پایه‌گذاری کند.

۳. معرفی اندیشه دینی فاطمیان در مفرج‌الکروب

ابن‌واصل بخشی از روایت تاریخی خویش از خلافت فاطمیان را به شرح عقاید و نگرش‌های مذهبی ایشان اختصاص داده‌است. هرچند وی تصریح کرده که اندیشه‌های دینی و مذهبی فاطمیان به‌صورت کامل در کتاب‌های «مقالات و اصول» آمده و «بازگو کردن آن در کتاب‌های تاریخ معنا و موجهی ندارد» (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۶) اما با این حال گزیده‌ای از تاریخچه و اندیشه‌های اسماعیلیه، اسامی امامان این گروه (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۶۳) شرحی بر نظرات پیروان ایشان درباره سه امام مستور و علاوه بر آن چگونگی شکاف در این مذهب و تقسیم آن به دو بخش نزاریه و مستعلویه (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۶-۲۰۹) و... را برای اطلاع بیشتر خوانندگان کتاب آورده- است. درعین حال ابن‌واصل در مقام عالمی سنی، در رد عقاید و اندیشه مذهبی فاطمیان کوتاهی نکرده‌است، چنان که عقاید ایشان را هم‌ردیف مظاهر شرک برشمرده (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۹ و ۲۴۹) و نوشته‌است: «اعتقاد اینان در الهیات به رأی فیلسوف‌نمایان منتهی می‌شود.» (ابن‌واصل،

۱۹۵۳، ج ۱: ۲۶۷) این نگرش موجب شده، مؤلف مفرج الکروب هم‌چون سایر مورخان هم‌عصر هم‌کیش خویش، از اسماعیلیان با عنوان «ملاحده» (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۶۰، ۲۰۶، ۲۰۹ و ج ۲: ۵۲، ۵۷، ۷۴، ۱۰۴)، «حشاش‌بین» (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۴۹ و ج ۲: ۱۳۱) و «باطنیان» (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱، ۲۰۶، ۲۰۸ و ج ۲: ۴۷ و ۱۷۴) یاد کرده و ایشان را به بدمذهبی و مخالفت با قرآن، سنت نبوی و سلف صالح متهم کند. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۶-۲۰۷) وی گاه نیز توضیحاتی درباره‌ی این اصطلاحات می‌دهد؛ چنان‌که در شرح «باطنی» نامیدن ایشان نوشته که اسماعیلیان «قرآن را به معانی مطلوب و موافق رأی خود تنزل می‌دهند و آن را از ظاهر خود برمی‌گردانند و ایشان را در این باب داستانی ست دراز و خبط و خطایی بسیار.» (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۱) وی با بیان این نکته که گروهی از عالمان برجسته به رد اندیشه‌های اسماعیلیان پرداخته‌اند. خوانندگان کتابش را به سایر منابع از جمله کتاب «المستظهری» ابوحامد غزالی ارجاع داده‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۲)

البته ابن‌واصل بررغم این نوشته‌ها، با رهبران اسماعیلیان دوستی و با پیروان ایشان مراوده داشته، چنان‌که در مفرج الکروب به دوستی خود با تاج‌الدین رهبر اسماعیلیان شام اشاره کرده‌است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۲۴۵) همین مراوده‌ها نیز موجب شد پسر عمویش حکیم زین‌الدین بن سعدالدین بن سعدالله، پزشک حاکم حماة، که در جنگهای داخلی ایوبی به دست ملک مجاهد در سال‌های پایانی این سلسله به اسارت درآمده بود. با وساطت و نفوذ رهبر اسماعیلیان منطقه مصاف از بند اسارت آزاد شود. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۵: ۲۲۴)

۴. فاطمیان در اشعار کتاب مفرج الکروب

از جمله دانش‌هایی که ابن‌واصل در آن صاحب‌نظر و صاحب‌تالیف بوده ادبیات منظوم است؛ چنان‌که در باب اوزان شعری بر کتاب «المقصد الجلیل فی علم الخلیل» تألیف استادش، ابن حاجب (۵۶۶د)، شرحی با نام «الدرّ النضید فی شرح القصید» نگاشت و به درخواست ملک منصور ایوبی، حاکم حماة، کتاب الاغانی را با عنوان «تجريد الاغانی» تخلص کرد. ابن‌واصل بارها از دانش ادبی خویش در نگارش مفرج الکروب کمک گرفته و در کنار وقایع تاریخی کتاب از اشعار تاریخی مرتبط، با هدف تبیین بهتر مطلب و بیان نکات تاریخی و همچنین تلطیف فضای کتاب بهره برده است. در میان این اشعار، هم سروده‌هایی در مدح و هم در ذم فاطمیان در مفرج الکروب به چشم می‌آید. ابن‌واصل از مجموع اشعار مذمت‌آمیز درباره‌ی فاطمیان، سروده‌شده در روزگار پایانی این سلسله یا

اوایل دوران ایوبی، ابتدا اشعاری از شاعری گمنام در رد نسب‌نامه هاشمی فاطمیان (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۰۶) آورده؛ سپس به ایبائی در مذمت این خاندان مانند قصیده‌ای از ابن‌ابی‌حصینه استناد جسته است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۸۶-۱۸۷) برخی از این اشعار در روزگار زوال خلافت فاطمیان سروده شده که در آنها به دوران فاطمیان، به ویژه خلیفه العاضد اشاره شده، مانند قصیده عمادالدین کاتب در بشارت‌نامه‌ای که بر سقوط فاطمیان سرود و در آن درباره العاضد چنین گفته:

«و بازوی پیروزی العاضد، آن قاصر همتی را که در قصر ساکن است، فرو شکستیم.

بدین سان از شعار بنی عباس پیروی کردیم، و چهره پیروزی درخشان شد
و آن مدعی {خلافت} را که ادعای پایداری و استواری می‌کرد با ذلت و خواری، زیر نظر و محاصره قرار دادیم.

منبرهای دین در سرزمین مصر به خواندن خطبه برای {خلیفه‌ای} هاشمی تبار فخر و مباهات کردند...

أهل مصر حق را باز شناختند، درحالی‌که پیش از آن، برخی منکر آن و برخی بدان معترف بودند...

ما علم‌های سیاه خود را گشودیم و دشمنان را که نشان کمبود داشتند با مرگ‌های سرخ مقهور و مغلوب ساختیم،

و حقوقی را از داعیه‌دارانی که در میان خویش آن را برای این و آن و زید و عمرو مدعی بودند بازستاندیم.» (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۷۱)

ابن‌واصل از این‌گونه اشعار که متضمن مشروعیت صلاح الدین ایوبی نیز می‌بوده، در روایت تغییر خطبه به نام خلفای عباسی در مصر یاد کرده است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۶-۲۱۸، ۲۲۰)

ابن‌واصل از مجموع اشعاری که شاعران در طی خلافت فاطمیان سروده اند به برخی مدیحه‌ها برای خلفای فاطمی هم‌چون فائز بن ظافر (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۵۲-۲۵۴) و العاضد (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۴۱-۱۴۳) و برخی مدیحه‌ها برای وزیران این سلسله هم‌چون طلائع بن رزیک (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱، ۲۵۶) و شاور (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۳۸-۲۴۰ و ۲۵۶-۲۵۷) اشاره کرده است. معروف‌ترین مدیحه فاطمیان از عماره یمنی است؛ که ابن‌واصل ابیات متعددی از آن را نقل کرده است. در کنار این قصیده، پاسخ منظوم دیگر عماره یمنی به ابن‌ابی‌حصینه شاعر ایوبیان و دفاع تمام قدش از خاندان فاطمی (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۱۸۷) و همچنین سوگ‌نامه وی بر زوال این سلسله (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۲-۲۱۶) در این اثر دودمانی آل ایوب قابل توجه است. به گفته

مؤلف، ملاک درج این اشعار فقط زیبایی و بلاغت بوده است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۲)

ابن‌واصل از میان شاعران دربار فاطمی، شاعر سنی‌مذهب و خوش‌قریحه یمنی مشهور به عماره یمنی را در مفرج‌الکروب به نیکی ستوده است. اما تنها دلیل این ستایش، ذوق شعری و قریحه مستعد شاعر یا ارزش بالای اشعار نیک او نیست. این شاعر اهل تسنن در روزگار زوال صاحبان قدرت و حتی در میان خیل مخالفان و دشمنان ایشان، خوبی و مهر حامیان پیشین خویش را فراموش نمی‌کرد. چنان‌که در روزگار قدرت شاور و در مجلس رسمی وی که در سوگ‌نامه‌ای منظوم، یاد وزیر مقتول پیشین فاطمیان، رزیک بن طلائع، را گرامی داشت به‌گونه‌ای که شاور دشمن قسم خورده رزیک، را به تحسین واداشت. نیز در روزهای پایانی خلافت العاضد در مقابل شعر ابن‌ابی‌حصینه که در مدح صلاح‌الدین آخرین وزیر ایشان، خوبی‌های العاضد را انکار و فراموش کرده بود، قصیده‌ای در دفاع از فاطمیان سرود. قصیده‌ای که ابن‌واصل از فرط زیبایی، به رغم بار منفی آن برای ایوبیان، بیشتر ابیات آن، جز یک بیت را آورده است. (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۶) آن‌چه ابن‌واصل را به ستایش عماره یمنی واداشته، علاوه بر قریحه خوش وی در شعر، روح بلند او در آزادگی و وفاداری است که وی را در نهایت به پای چوبه دار برد: «چون حکومتشان نابود شد با زیباترین و بهترین شعر سوگ‌نامه سرود، و آن هنگام که نمی‌توانست با دست از آنان دفاع کند با زبان چنین کرد و وقتی که جماعتی برای بازگرداندن حکومت به ایشان جنیدند؛ وی به پاس احسانی که ایشان بدو کرده بودند، از جمله کمک‌کنندگان بدان حرکت بود». (ابن‌واصل، ۱۹۵۳، ج ۱: ۲۱۲؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶۸)

رویکرد ابن‌واصل در گزینش اشعار در مفرج‌الکروب بی‌طرفی در ثبت داده‌های تاریخی و با هدف کمک به تبیین بهتر مطالب است. البته بلاغت و فصاحت در گزیده‌های او بسیار مشهود است، چنان‌که حتی در میانه قصیده عماره یمنی، ابیاتی را که خوشایند ایوبیان نبوده، نیز آورده است: «به خدا سوگند، آن که شما را دشمن می‌دارد روز رستاخیز رستگار نمی‌شود و جز دوستدار شما از عذاب دوزخ نمی‌رهد.

و برای رهایی از گرما و تشنگی آن روز، از دست بهترین آفریدگان، خاتم پیامبران، آب نخواهد نوشید». (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱ ص ۲۷۲)

با مقایسه ابیات این قصیده در دیوان شاعر و کتاب مفرج‌الکروب آشکار میشود که ابن‌واصل فقط این یک بیت این قصیده بلیغ سیاسی ضد ایوبی را حذف کرده است:

«و آن که به امام العاضد بن علی، خیانت ورزیده بهشت خدا را نمی‌بیند». (قس: ابن‌واصل،

۱۳۸۳، ج ۱: ۲۱۶ و عماره یمنی، ۲۰۰۰: ۸۴۶)

نتیجه

ابن‌واصل در مفرج‌الکروب، کتابی که ویژه تاریخ دودمان ایوبیان تالیف شده، ضرورتی برای ذکر تاریخ فاطمیان نداشته، اما برای تبیین پاره‌ای از رخداد‌های دوره ایوبی در مواردی به تاریخ و عقاید فاطمیان پرداخته‌است. گزارش‌های او از فاطمیان مشتمل بر برخی رویداد‌های تاریخی، باورها و عقاید و اشعار سروده شده درباره آنها است. این گزارش‌ها با یادآوری مسئله نسب‌نامه ایشان آغاز شده؛ دیدگاه ابن‌واصل درباره نسب فاطمیان متضمن رد انتساب ایشان به هاشمیان / علویان است. از خلفای فاطمی در مفرج‌الکروب بیش از همه به العاضد بالله، که حکومت از او ستانده و به ایوبیان منتقل شد، پرداخته شده‌است. مرگ العاضد بالله برای ابن‌واصل به معنای پایان اخبار فاطمیان نیست، وی در ادامه صفحاتی را به سرانجام بازماندگان این خاندان و همچنین قیام‌ها و تلاش‌های حامیان فاطمی برای بازگرداندن ایشان به قدرت اختصاص داده است. البته از آنجا که این قیام‌ها تأثیر جدی در به خطر انداختن ثبات سیاسی ایوبیان نداشتند، از نظر مولف ثبت جزئیات قیام‌ها را حائز اهمیت چندانی نمی‌دانسته است. ابن‌واصل همچنین اشعاری مرتبط با فاطمیان را در قالب مدح و ذم در مفرج‌الکروب نقل کرده است. بیان قصیده عماره یمنی در پاسخ به اشعاری که علیه این خاندان سروده شده و تأکید بر زیبایی این اشعار نیز نشان از تأکید وی بر جدا دانستن حیطة زیبایی‌شناسی ادبی از محتوا دارد و دست‌کم وی را از اتهام نگارش تالیفی مغرضانه مبرا می‌کند. در مجموع می‌توان گفت ابن‌واصل در قامت مورخ رسمی و هوادار دودمان ایوبی در ذکر تاریخ فاطمیان کمتر جانبداری ورزیده و روایت‌های او متضمن ارزش‌داوری نبوده، اما در ذکر عقاید و باورهای ایشان همچون بسیاری از مورخان اهل سنت روایت او قالب ردیه‌نویسی گرفته و متضمن بدگویی از فاطمیان است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم. (۱۹۳۸). الكامل فی التاريخ، تصحیح عبد الوهاب النجار، قاهره: إدارة الطباعة المنيرية.
۳. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم. (۱۹۳۶). التاريخ الباهر فی دولة الاتابکيه، تحقیق عبدالقادر طليمات، بغداد و قاهره : دارالکتب الحديثه و مكتبة المثنی.
۴. ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف. (۱۳۷۵). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و قاهره، قاهره: دارالکتب المصریه.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۹۷۵). العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت: دار الفکر.
۶. ابن خلکان، ابوالعباس احمد بن محمد. (۱۹۴۴). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارصادر.
۷. ابن دوداری، ابوبکر بن عبدالله بن ایبک. (۱۹۷۲) کنز الدرر و جامع الغرر؛ جلد هشتم زهر المُرُوج من قسمة فلك البروج یا الدرة الزکیة فی أخبار دولة الملوك التركية. تحقیق ولرخ هاریمان. قاهره: مكتبة المؤید.
۸. ابن عماد حنبلی، أبو الفلاح عبدالحی بن احمد. (۱۴۰۶). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، تحقیق عبدالقادر ارناؤوط، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر.
۹. ابن کثیر دمشقی، إسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷). البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر.
۱۰. ابن‌واصل، محمد بن سالم، تاریخ ایوبیان. (۱۹۵۳). مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تصحیح جمال‌الدین شیال و حسنین محمد ربیع، قاهره: مكتبة جامعه الاسکندریه.
۱۱. ابن‌واصل، محمد بن سالم، تاریخ ایوبیان. (۱۳۸۳). مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تصحیح جمال‌الدین شیال و حسنین محمد ربیع، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۲. ابن‌الوردی الصدیقی، أبی حفص عمر بن مظفر. (۱۹۹۶). تاریخ ابن‌الوردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. ابوشامه، شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، الروضتین فی اخبار الدولتین التوریه و الصلاحیه، تصحیح ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م.
۱۴. ابوالفدا، اسماعیل بن علی (۱۳۲۵). تاریخ أبی‌الفداء المسمى المختصر فی أخبار البشر. قاهره: المطبعة الحسینیة المصریة.
۱۵. بروکلمان، کارل (۱۴۲۹). تاریخ الأدب العربی، قم: دارالکتاب الاسلامی.

١٦. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (١٤٢٩). كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، بیروت: دار الكتب العلمية، ج ١ و ٢.
١٧. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد. (١٤٠٩). تاريخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
١٨. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد. (١٤٠٥). سیر أعلام النبلاء، تصحیح شیخ شعیب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.
١٩. سبکی، تاج الدین عبدالوهاب بن تقی الدین. (١٤١٣). طبقات الشافعية الكبرى، تحقیق محمود محمد طناحی د. عبد الفتاح محمد الحلو، قاهره: هجر للطباعة والنشر والتوزيع.
٢٠. سجادی، سیدصادق و هادی عالمزاده. (١٣٩٣). تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت.
٢١. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر. (١٤١٨). حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة، بیروت: دارالکتب العلمیه.
٢٢. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر. (١٩٦٤). بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم: یدا لبنان : المكتبة العصرية.
٢٣. صفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک. (١٩١١). نکت الهمیان، قاهره: مطبعة الجمالية.
٢٤. صفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک. (٢٠٠٠). الوافی بالوفیات، تحقیق أحمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: داراحیاء التراث.
٢٥. عینی، محمود. (١٩٨٨). عقد الجمان فی تاریخ أهل الزمان: العصر الأیوبی، تحقیق محمد محمدامین، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
٢٦. قلقشندی، أحمد بن علی بن أحمد. (١٩٧١). صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، بیروت: دارالکتب العلمیه.
٢٧. ماجد، عبدالمنعم. (١٩٩٤). ظهور الخلافة الفاطمية وسقوطها فی مصر، قاهره: دارالفکر العربی.
٢٨. مقریزی، احمد بن علی. (١٣٩٣). اتعاظ الحنفا بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق محمد حلمی محمد احمد، قاهره: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه.
٢٩. مقریزی، احمد بن علی. (١٤١٨). المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
٣٠. ناصری طاهری، عبدالله. (١٣٧٩). فاطمیان در مصر، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
٣١. یمنی، عماره. (٢٠٠٠). دیوان الشاعر عمارة بن أبي الحسن علي بن محمد بن زيدان القحطاني، شرح و تحقیق عبدالرحمن بن یحیی الاریانی و احمد عبدالرحمن المعلمی. دمشق: مطبعة عکرمه.
٣٢. هیرشلر، کتراد. (١٣٩٥). تاریخ نگاری عربی در دوره ی میانه (مولف در مقام کشگر)، زهیر صیامیان گرجی، تهران: سمت